

۱۴۱۸۷۷۳

عدالت اداری

(چارچوب مفهومی، سازوکارهای نهادی، روندهای قضایی)

دکتر احمد رنجبر

عضو هیات علمی، دانشنامه آزاد واحد بندرعباس



سرشناسه : رنجبر، احمد، ۱۳۲۰ -
 عنوان و نام‌پدیدآور : عدالت اداری (چارچوب مفهومی، سازوکارهای
 نهادی، روندهای قضایی) / احمد رنجبر
 مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص.
 فروست : علوم اجتماعی؛ ۹۸۶
 شابک : 978-964-511-785-4
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
 موضوع : عدالت سازمانی Organizational justice
 موضوع : آیین دادرسی اداری Administrative procedure
 رده‌بندی کنگره : HD ۶۹۷۱/۹ع۴
 رده‌بندی دهی : ۶۵۸/۳۱۴
 شماره ثبت‌شناسایی : ۴۲۷۷۷۱۸

اثر آلوده تکثیر (احمد از چاپ گیتی) ایل الکترونیکی و... از این اثر بدون اذن مجوز
 از چاپخانه قانون و دهه ۸۰ قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده به شماره تماس‌های ذیل اطلاع دهید.

۹۸۶

نشر میزان
 عدالت اداری

احمد رنجبر

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۷۸۵-۴

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاووسی‌فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، رویروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخررازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

مقدمه	۹
بخش اول - گام‌های اساسی برای تحقق عدالت اداری	۱۵
فصل اول - عدالت اداری: چارچوب مفهومی و سازوکارهای نهادی	۱۶
مبحث اول - چارچوب مفهومی عدالت اداری	۱۶
مبحث دوم - سازوکارهای نهادی برای تحقق عدالت اداری	۲۰
مبحث سوم - دو جنبه عدالت اداری	۲۲
گفتار اول - عدالت اداری پیشینی	۲۳
بند اول - "عدالت بوروکراتیک" یا عدالت در تصمیم‌گیری	۲۳
بند دوم - گام‌های موثر برای تامین "عدالت بوروکراتیک"	۲۹
۱. تصمیم‌گیری چنان‌که عملی اداری	۳۰
۲. تصمیم‌گیری چنان‌که عملی مشارکتی: تصمیم‌گیری اولیه و حقوق مشارکت	۳۱
۳. اهمیت شفافیت در تصمیم‌گیری اداری	۳۳
۴. نقش موازین خدمت عمومی در تحقق شفافیت، مشارکت و مسئولیت‌پذیری	۳۴
گفتار دوم - عدالت اداری پسینی	۳۶
بند اول - دادخواهی اداری	۳۶
۱. بازبینی سلسله مراتبی	۳۶
۲. رسیدگی شبه قضایی	۳۷

۳۹	۳. امبودزمن
۴۱	بند دوم - دادخواهی قضایی: عدالت اداری و عدالت قضایی
۴۴	مبحث چهارم - ابعاد مختلف حمایت قضایی از حقوق شهروندان در حقوق اداری ...
۴۶	گفتار اول - عدالت رویه‌ای و حمایت شکلی از حقوق شهروندان
۴۹	گفتار دوم - عدالت ماهوی و حمایت ماهوی از حقوق شهروندان
۵۲	گفتار سوم - عدالت ترمیمی و جبران خسارت
۵۴	گفتار چهارم - عدالت اداری و منافع عمومی
۵۷	فصل دوم - حقوق و اداره
۵۸	مبحث اول - پندگ‌نگی "سنت‌های اداری"
۶۰	گفتار اول - سنت‌های اداری غربی
۶۰	بند اول - سنت انگلیس - آمریکایی
۶۱	بند دوم - سنت ناپلئون
۶۱	بند سوم - سنت آلمانی
۶۲	بند چهارم - سنت اسکاندیناوی
۶۳	گفتار دوم - حقوق و اداره: زمینه‌های همگرایی سنتها
۶۶	گفتار سوم - اتحادیه اروپا: اداره فراسوی سنت
۷۱	مبحث دوم - سنت‌های حاکمیت قانون بر اداره
۷۱	گفتار اول - سنت قاره‌ای حاکمیت قانون بر اداره
۷۵	گفتار دوم - سنت انگلیسی حاکمیت قانون بر اداره
۸۳	مبحث سوم - تلاقی سنت‌ها: از حاکمیت قانون تا حاکمیت حقوق
۸۳	گفتار اول - تجربه قاره‌ای: از حاکمیت قانون تا حاکمیت قانون اساسی
	گفتار دوم - تعمیق حاکمیت قانون در بریتانیا: حاکمیت قانون حلقه پیوند حقوق، سیاست، اداره
۹۰	مبحث چهارم - حاکمیت قانون در گفتمان(های) آسیایی
۹۳	مبحث پنجم - حاکمیت قانون در کشورهای اسلامی

بخش دوم - عدالت قضایی: سازوکارهای قضایی نظارت بر اعمال و

تصمیمات اداری ۹۷

فصل اول - مسائل اساسی در روند نظارت (بازنگری) قضایی اعمال اداری ۹۸

مبحث اول - مصادیق عمل اداری: گونه‌های قاعده سازی قوه مجریه ۹۹

گفتار اول - عمل شبه قانونگذاری ۹۹

گفتار دوم - عمل شبه قضایی ۱۰۱

گفتار سوم - عمل اداری ۱۰۲

مبحث دوم - مرجع رسیدگی: یگانگی یا دوگانگی نظام قضایی ۱۰۳

مبحث سوم - اثر نفع شاکی: نفع خصوصی در برابر نفع عمومی ۱۰۷

مبحث چهارم - محدودیت‌ها و استثنائات بازنگری قضایی ۱۱۱

گفتار اول - محدودیت‌های ذاتی بازنگری قضایی ۱۱۱

گفتار دوم - مستثنیات قانونی رسیدگی ۱۱۳

گفتار سوم - محدودیت‌های قضای رسیدگی: اختیار گزینشی قضات ۱۱۵

فصل دوم - اصول حاکم بر نظارت (بازنگری) قضای اعمال اداری ۱۲۳

مبحث اول - اصل قانونی بودن ۱۲۶

گفتار اول - منشأ اجبار قواعد حقوقی ۱۲۶

بند اول - ارتباط عمل اداری با قانون ۱۲۶

بند دوم - ارتباط عمل اداری با مقررات اداری و اجرایی (اثرنامه) و قواعد عمل

اداری) ۱۲۷

بند سوم - ارتباط عمل اداری با قواعد ناشی از رویه قضایی ۱۲۷

گفتار دوم - درجه اجبار قواعد حقوقی ۱۲۹

بند اول - صلاحیت وابسته (تکلیفی) اداره ۱۲۹

بند دوم - صلاحیت تشخیصی ۱۲۹

گفتار سوم - دکترین خارج از حدود صلاحیت و اختیار قانونی ۱۳۲

گفتار چهارم - لزوم بکارگیری اختیارات قانونی ۱۳۴

مبحث دوم - اصل حمایت از حقوق و آزادی‌های بنیادی ۱۳۷

۱۳۷.....	گفتار اول - منشا حقوق و آزادی‌های بنیادی.....
۱۳۸.....	گفتار دوم - حقوق ماهوی در برابر حقوق شکلی (رویه‌ای).....
۱۳۹.....	گفتار سوم - حمایت از حقوق در برابر "حمایت به مثابه حقوق".....
۱۴۱.....	مبحث سوم - اصل عقلانی بودن.....
۱۴۳.....	فصل سوم - ابعاد نظارت قضایی.....
۱۴۴.....	مبحث اول - نظارت بر واگذاری اختیار.....
۱۴۹.....	مبحث دوم - نظارت بر بکارگیری اختیار.....
۱۵۰.....	گفتار اول - کوتاهی در اعمال اختیار گزینشی.....
۱۵۲.....	گفتار دوم - فراروی یا سوء استفاده از اختیار گزینشی.....
۱۵۲.....	بند اول - فقدان اختیار.....
۱۵۳.....	بند دوم - فراری از اختیار.....
۱۵۳.....	بند سوم - سرایت.....
۱۵۴.....	بند چهارم - هدف ناهنجار.....
۱۵۵.....	بند پنجم - ملاحظات نامربوط.....
۱۵۵.....	بند ششم - ترک ملاحظات مرتب.....
۱۵۶.....	بند هفتم - نامعقول بودن.....
۱۵۷.....	گفتار سوم - نادیده گرفتن "انتظارهای مشروع".....
۱۵۹.....	گفتار چهارم - عدم "تناسب" تصمیم.....
۱۶۱.....	مبحث سوم - شرایط حمایت قضایی.....
۱۶۴.....	مبحث چهارم - امتیازات دولت در دعاوی.....
۱۶۸.....	فصل چهارم - عدالت اداری در ایران: رویکرد انتقادی.....
.....	مبحث اول - وجه متمایز عدالت اداری در ایران: عدالت بر محور قانون و شرع: شرع
۱۶۸.....	چونان غایت.....
۱۷۱.....	مبحث دوم - عدالت اداری قضایی: چالش‌های نهادی، صلاحیت، دادرسی.....
۱۷۷.....	نتیجه‌گیری.....
۱۸۳.....	فهرست منابع و مآخذ.....

"عدالت اداری" بخشی از انتظارات عمومی از نظام حقوقی و سیاسی هر کشور را تشکیل می‌دهد. این یک اصل بنیادی است که دولت در همه سطوح و ابعادش در مسائلی که با عموم سروکار دارد باید با عدالت عمل کند. اما نکته این است که نه تنها وسائل و ابزارهای دست یافتن به عدالت اداری، موضوعی بحث بر انگیز و مساله ساز است، بلکه مفهوم عدالت نیز سخت مبهم و مناقشه انگیز است.

مسیر عدالت اداری مسیری پرچالش است؛ در جوامع پیشرفته و پیچیده کنونی، چگونه می‌توان اطمینان حاصل کرد که اعمال و تصمیمات موسسات و نهادهای عمومی عادلانه است؟ چگونه می‌توان به عدالت اداری دست یافت؟ سازوکارهای عدالت اداری کدامند؟ برای استقرار نظامی که قادر باشد در انتخاب‌های سیاسی پیش رو برای تعیین اولویتها، تخصیص منابع و دسترسی به خدمات عمومی، عادلانه عمل کند، چه چیزی لازم و ضروری است؟ در نتیجه چا از نظر رویه‌ای (شکلی)، چه ماهوی، چه مفهومی، امروزه عدالت اداری یکی از محرری‌ترین و پیچیده‌ترین موضوعات در زمینه حقوق عمومی است.

با وجود مشکلات و سوالات بسیار، تصور عاقلانه، اساس یک نظام اداری عادلانه امکان پذیر است؛ یک نظام اداری زمانی عادلانه خواهد بود، بتواند روابط بین اداره و اداره شوندگان را به شیوه‌ای مسئولانه تنظیم کند؛ سیستمی عطف پذیر که نقاط قوت و ضعف خود را در تدارک و ارائه خدمات عمومی، بعنوان هدف‌های نظام اداری، به خوبی بشناسد و قادر به بهره‌گیری از نقاط قوت و اصلاح ضعف‌ها باشد. بر اساس چنین دیدگاهی، عدالت اداری به تبادل نظرات موجود در روابط اجتماعی راه می‌یابد و حیثیتی واقعی، تجربی و دموکراتیک می‌یابد. در این راه، فهم و انتظار از حقوق و مجموعه نظام حقوقی چونان ابزاری برای پیشبرد و تحقق پاسخگویی و مشروعیت و نه صرفاً وسیله رسیدن به اهداف عمومی و اجتماعی از پیش تعیین شده، اهمیت بنیادی دارد.

از این چشم انداز، عدالت اداری را می‌توان دارای دو بعد پیشینی و پسینی دانست: تصمیمات اداری پس از اتخاذ نه تنها نیاز به توجیه و گشودگی نسبت به نقد و بازنگری دارد، بلکه باید سازوکاری برای مشارکت دادن طرف‌های ذی نفع یا ذی ربط در فرایند تصمیم‌گیری اندیشیده شود. تدارک فرایندهای موثر پسینی برای دادخواهی و جبران (خسارت) و روندهای پیشینی جهت تامین مشارکت در تصمیم‌گیری به تحقق حکومت مشروع و مسئول برای تامین خواست‌ها و لوازم عدالت اداری کمک می‌کند. به عبارت دیگر، انتظارات از عدالت اداری تنها در نظامی برآورده می‌شود که مشروعیت تصمیمات عمومی از طریق ایجاد فرایندهایی برای تحقق سطح شایسته‌ای از مشارکت عمومی در فرایند تصمیم‌گیری و وجود روندهایی برای رسیدگی به شکایاتی که شهروندان در اعتراض به تصمیمات اتخاذ شده انجام می‌دهند، تامین و تضمین گردد. در این شرایط، حقوق شهروندان که تا مدت‌ها عمدتاً گستره یا کمیت قوا و اختیارات‌های عمومی را تعیین می‌کرد، اکنون علاوه بر آن، می‌تواند بر کیفیت قدرت عمومی تاثیر نهد و بعنوان سازوکاری برای کنترل کیفی سیاست‌گذارهای عمومی و اجرای آن، صرف نظر از شکل و صورت نهادینه‌اش، عمل نماید.

با این اوصاف، نقش "عدالت قضایی" به عنوان ملزومات عدالت اداری انکار ناپذیر است. اگر حل اختلاف و رسیدگی به شکایات از تصمیمات و اقدامات اداره یک پایه عدالت اداری باشد، چه مرجعی بهتر و بالاتر از محاکم قضایی برای جلوگیری از خودسری‌های اداره و وادار کردن آن به حفظ و رعایت حقوق شهروندان وجود دارد؟ مطمئناً تصمیم دادگاه تاثیر فوق العاده‌ای بر تصمیم‌گیری اداری دارد؛ از نظارت قضایی انتظار می‌رود در تحمیل مسئولیت بر دولت و توسعه اصول و ارزش‌های عمومی نقش گسترده‌ای ایفا کند؛ هرچند در جوامع پیچیده امروزی ابتدا نباید در مورد تاثیر سازوکارهای قضایی بر عملکرد اداره مبالغه کرد. ظرفیت اثرگذاری سازوکار نظارت قضایی (و بطور کلی "نظام هنجاری حقوق") در تغییر رویه اداری تابع شرایط و ملاحظات مختلفی است که در لابلای مطالب به آن اشاره خواهد شد. از طرف دیگر، ابتدا نباید از نقش برجسته روندهای (پسینی) غیرقضایی (امبودزمن‌ها یا بازرسی، دیوان‌های اداری (شبه قضایی)، تحقیقات عمومی و روندهای دادخواهی داخلی و غیره) در تکمیل و تحقق طرح کلی عدالت اداری چشم‌پوشی کرد.

تا جاییکه به عدالت اداری قضایی مربوط می‌شود، نقش دادگاه‌ها در حمایت قضایی از حقوق شهروندان و تامین عدالت اداری را می‌توان در سه سطح شکلی (رویه ای)، ماهوی و جبرانی (ترمیمی) مورد بررسی قرار داد:

هدف حمایت قضایی شکلی، تضمین شفافیت و تامین انصاف یا بی‌طرفی در فرایندهای تصمیم‌گیری اداری از راه اجبار اداره به اعمال رویه‌های شکلی منصفانه (از قبیل اخطار پیشینی، استماع نظرات طرف‌های ذی نفع و یا ارائه ادله توجیهی) در تصمیم‌گیری است؛ یعنی همان اصول "عدالت طبیعی" که اساسا محصول دادرسی قضایی است که به تدریج تکامل یافته و بعنوان "انصاف رویه‌ای" به روندهای تصمیم‌گیری اداری (آاته با محدودیت‌هایی) تسری یافته است. باید توجه داشت که هرچند حمایت رویه‌ای در بسیاری موارد منوط و مشروط به این است که حقوق و منافع ماهوی شهروندان (آزادی، امنیت، مصونیت از تعرض، شیوه معاش، شهرت، آبرو و غیره) با زیر پا نهادن الزامات شکلی - رویه‌ای مزبور در روند تصمیم‌گیری تحت تاثیر قرار گیرد، صرف نادیده گرفتن یک الزام رویه‌ای نیز گاه خود مستقلا می‌تواند موجبات بی‌اعتباری عمل اداری را فراهم کند. در واقع بکارگیری "حقوق طبیعی" حاکم بر روندهای دادرسی قضایی در روند های تصمیم‌گیری اداری و بدین ترتیب استقرار "حقوق رویه‌ای" بمنظور جلب حداکثری رضایت یا مشارکت شهروندان در این روندها، فصل مهمی از رشد و توسعه حقوق اداری را در دهه‌های اخیر بخود اختصاص داده است.

در حمایت ماهوی، هدف از یک سو وادار کردن اداره به عمل در چارچوب قانون (اصل قانونی بودن) و از دیگر سو، حمایت مستقیم از حقوق، منافع و "سطر" های مشروع شهروندانی است که با فعل یا ترک فعل "قانونی" اداری ممکن است پایمال شود. اما همه بحث این است که چه حقوقی در چه شرایطی مشمول چه نوع حمایتی قرار می‌گیرد؟ به عبارت دیگر، چه نوع تصمیمات، اقدامات یا طرز عمل اداری، حق و نفع قانونی و مشروع شهروندان را زیر پا می‌نهد و بدین سبب مشمول نظارت قضایی و احیاناً حکم منع، لغو، ابطال یا اصلاح واقع می‌شود؟ بخش مهمی از تفاوت‌ها در سازوکار حمایتی کشورهای مختلف در همین جا آشکار می‌شود. البته در حمایت‌های قضایی ماهوی، درست همسان حمایت شکلی - رویه‌ای، علاوه بر حفظ حقوق

شهروندان، منافع و ملاحظات عمومی عینی دیگری نیز در کار است که چه بسا با منافع خصوصی اشخاص هم سنگی کند.

سرانجام، در حمایت ترمیمی، هدف، صدور احکام و دستورات ترمیمی و جبرانی و احیاناً جبران خسارت احتمالی یا همان تحمیل مسئولیت مدنی بر دولت است.

ناگفته پیداست دامنه حمایت‌های قضایی که از آن سخن می‌رود، شامل همه تصمیمات اداری نمی‌شود: برخی تصمیمات اداری در اساس یا در عمل مشمول نظارت قضایی واقع نمی‌شوند و بنابراین حقی یا نفعی ایجاد نمی‌کند که مشمول حمایت قضایی باشد. اما دشواری‌ها در این است که در حیطه‌های مشمول کنترل قضایی و بطور مشخص، جایی که مساله رعایت حقی در میان است، چگونه می‌توان توازن منصفانه‌ای میان اضرار - حقوق فردی و منافع عمومی برقرار کرد؟ اساساً حفظ منافع و مصالح عمومی - مانند شناخته شده (امنیت، ایمنی، بهداشت، اخلاق و نظم عمومی) - یک پایه اختلاف میان نظام‌های مختلف حقوقی در این عرصه است؛ هرچند دغدغه حفظ مشروعیت و مقبولیت نظام اداری، تضادها را در سطح نتایج تخفیف می‌دهد. ریشه این تفاوت‌ها را باید در ایدئولوژی، فلسفه حقوق، و سپس سنن تاریخی - نهادی کم و بیش متفاوتی پی جست که نظام‌های حقوقی مختلف را پایبند می‌سازد. بنابراین شاید بهترین راه، کشف معیارهایی است که بتواند با گذر از مرزهای اختلافی موجود، راه حل مطلوبی بر پایه اصول کلی انصاف بمنظور حمایت از حقوق و منافع شهروندان معرفی و فراهم نماید.

با این توضیح، می‌توان گفت عدالت قضایی (در اینجا) به معنی رجوع و توسل به روندهای قضایی در برابر فعل یا ترک فعل غیرقانونی، غیرمنصفانه و احیاناً زیانبار مقامات و مراجع اداری، تنها بخشی از طرح و چارچوب کلی عدالت اداری برای جلوگیری از خودسری‌های اداره و حفظ حقوق شهروندان در هر جامعه است.

عدالت قضایی در حقوق اداری، طیف متنوعی از دادخواهی‌ها را در برمی‌گیرد: از دادخواهی و طرح دعوا برای حفظ یا اعاده حقوق فردی و جمعی (اعم از شکلی و ماهوی) که طیف معمول دعاوی اداری است؛ تا طرح دعاوی از هر نظر "عمومی" علیه اقدامات و تصمیمات اداری، بی‌آنکه حق و نفع فردی و گروهی مشخصی در کار باشد؛ تا درخواست یا دادخواست برای قرار اعلامی یا اعدادی برای اعلام وضعیت حقوقی یا

تفسیر درست (که البته می‌تواند زمینه احقاق حقوق افراد را فراهم آورد) و یا تامین خواسته و جبران خسارت.

نکته کلی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که عموم حمایت‌های قضایی و نقشی که قضات، اعم از قضات اداری (در سنت قاره‌ای) یا قضات عادی^۱ (از جمله در ایران، انگلیس، هند)، در حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندان ایفاء می‌کنند یا می‌توانند ایفاء کنند، مدیون چارچوب‌های هنجاری و نهادی مختلف و متفاوتی است که در سنت "حاکمیت قانون" و "قانون اساسی‌گرایی" (constitutionalism) کشورها ریشه دارد؛ ریشه‌یابی این تفاوت‌ها در مبانی و سپس شرح مبسوط منابع، سازوکارهای نهادی و فرایدها و رهندهای قضایی حفظ حاکمیت قانون و حمایت از حقوق شهروندان در کشورهای مختلف در کنار محدودیت‌ها و ملاحظات هنجاری و عملی گاه متمایز و گاه مشترک است و اداره در کشورهای مختلف و در نهایت پی‌جویی خطوط "موازنه مثبت" بین منابع عمومی اداره و منافع خصوصی شهروندان، هدف و ضرورتی است که نویسنده در این کتاب، دنبال می‌کند.

این کتاب در اصل رساله دکتری نویسنده است که با عنوان دیگری^۲ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ارائه گردیده و اینک با حذف و اضافاتی تقدیم خوانندگان می‌شود.

مطالب این کتاب در دو بخش تنظیم شده است: در بخش اول، حمایت‌های قضایی و غیرقضایی از شهروندان در برابر اعمال و تصمیمات اداری خود سرانه و نامشروع در چشم انداز وسیع‌تر مفهوم "عدالت اداری" بحث می‌شود. این بحث در برگزیده دو فصل است: در فصل اول، چارچوب مفهومی عدالت اداری و سازوکارهای نهادی اعم از اداری و قضایی (رویه‌ای - شکلی، ماهوی، ترمیمی - جبرانی) اندیشیده شده برای تحقق آن، بحث می‌شود؛ و در فصل دوم، رابطه حقوق و اداره و چگونگی ارتباط

۱. منظور از قضات عادی قضایی هستند با تربیت و آموزش معمول قضایی؛ از این نظر، میان قضات دادگاه‌های عادی و قضات دیوان عدالت اداری در ایران (با توجه به ماده ۴ ق.د.ع.ا) هیچ تفاوتی وجود ندارد. بعلاوه، با نظر به صلاحیت‌های ناقص دیوان عدالت اداری، نقش مکمل دادگاه‌های عادی در رسیدگی و اعمال صلاحیت نسبت به موضوعات حقوق عمومی به قوت خود باقی است.

۲. عنوان رساله: "علل و موجبات ماهوی بازنگری قضایی اعمال و تصمیمات اداری: بررسی مقایسه‌ای حقوق اداری هند، پاکستان، ایران" که با راهنمایی جناب آقای دکتر ولی رستمی در مهر ۱۳۹۴ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با موفقیت ارائه گردید.

نهادهای قضایی با اداره و نقش مراجع قضایی برای کنترل اعمال اداری در سنت‌ها و گفتمان‌های مختلف (قاره‌ای، عرفی، آسیایی و اسلامی) حاکمیت قانون مطالعه می‌گردد. بخش دوم این کتاب به روندهای قضایی برای تأمین عدالت اداری اختصاص دارد. این بخش در چهار فصل تنظیم شده است: در فصل اول مسائل اساسی قابل طرح در روند بازنگری و نظارت قضایی بر اعمال اداری بحث می‌شود؛ اصول حاکم بر نظارت قضایی موضوع فصل دوم این بخش است؛ خواهیم گفت که منظور از اصول، آن سرچشمه‌های اولیه و اصیلی است که آبشخور خلاقیت‌های قضایی و الهام‌بخش قضات در خلق آن دسته از قواعد و اصولی است که می‌تواند همزمان تأمین کننده منافع عمومی و خصوصی باشد. در فصل سوم، ابعاد نظارت قضایی بر اعمال اداری در مرحله واگذاری اختیارات، اعمال اختیار و گستره حمایت‌های قضایی در قانون و رویه قضایی کشور، از جمله هند، موضوع بحث قرار می‌گیرد؛ و فصل چهارم و آخرین فصل این بخش و این کتاب هم شامل رویکردی انتقادی به روند عدالت اداری قضایی در ایران خواهد بود.

احمد رنجبر

پاییز ۱۳۹۵